

نۆاله مادری خاص از طالقان

نگارش

دکتر محمد حسین صائیان

www.ketab.ir

سرشناسه	: صایمیان، محمدحسین، ۱۳۴۴ -
عنوان و نام پدیدآور	: نوابه مادری خاص از طالقان / نگارش محمدحسین صایمیان.
مشخصات نشر	: تهران: امید سخن، ۱۴۰۰.
مشخصات ظاهری	: ۲۰۳ ص، ۱۴/۵×۲۱/۵ س.م.
شابک	: ۹۷۸-۶۲۲-۷۹۴۴-۲۵-۹
وضعیت فهرست نویسی	: قیفا
موضوع	: صایمیان، محمدحسین، ۱۳۴۴ - -- خاطرات
موضوع	: خاطرات ایرانی -- قرن ۱۴ th century Iranian diaries --
شماره کتابشناسی ملی	: ۸۶۹۸۴۹۱



نوابه مادری خاص از طالقان

مؤلف: دکتر محمدحسین صایمیان

طراحی جلد: ارمیا فرهنگ

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۷۹۴۴-۲۵-۹

نوبت چاپ: اول، زمستان ۱۴۰۰

چاپ: انتشارات امید سخن

شمارگان: ۱۰۰۰ جلد

قیمت: ۶۰۰۰۰ تومان

دفتر انتشارات: تهران - ستارخان - نرسیده به میدان توحید -

روبروی کوثر دوم - پلاک ۷۳ - طبقه سوم

تلفن: ۶۶۹۲۲۴۴۰-۶۶۱۲۱۰۶۸

فهرست

پیش گفتار	۹
فصل اول: نامه به مادرم نوّابه	۱۱
فصل دوم: کودکی و نوجوانی در طالقان	۲۱
مقدمه	۲۱
کودکی	۲۳
عزیمت مجدد به تهران	۳۶
فصل سوم: کوهستان و شروع کوهنوردی با یک کفش	۴۱
اولین صعود توچال	۴۳
فصل چهارم: فلسفه با نوّابه، تقدیم به خودم و دانشگاه	۴۹
فصل پنجم: پیوند "ازدواج مقدس"	۵۹
فصل ششم: مولانا جلال الدین رومی، من و نوّابه	۶۵
فصل هفتم: هستی شناسی با نوّابه و مولانا	۱۰۳
فصل هشتم: شهر عشق و عرفان و ماه های پایانی نوّابه	۱۱۹
فصل نهم: زندگی پس از نوّابه و آغاز دوباره با مولانا	۱۴۳
فصل دهم: تولد دوباره ام با دو هدیه "فرشته کوچک"	۱۸۳
منابع و تصویر	۲۰۲

پیش گفتار

"الهی در جلال رحمانی، در کمال سبحانی، نه محتاج زمانی، و نه آرزومند مکانی، نه کس به تو ماند و نه به کسی مانی، پیداست که در میان جانی، بلکه جان زنده به چیزی است که تو آنی"

"خواجه عبدالله انصاری"

گرچه خاطره نویسی باید اصولی داشته باشد ولی من هر چه در ذهنم مرور شود می نویسم و خودم را در بند قواعد نمی کنم خاطراتم را زشت یا زیبا ثبت می کنم شاید مانند گار شود شاید فراموش نشوم از قضاوت شدن نمی ترسم. اراده زیادی برای حیات بخشیدن به خاطراتم دارم. این کتاب شاید بخشی از خاطراتم باشد شاید بیشتر خاطرات و شاید همه خاطرات ولی تمام این خاطرات با مادرم "نوابه اکبریان" بوده است. چه در زمان حیاتش چه پس از فوت ناگهانی اش.

آسمان جامعه روستایی ایران آسمانی است پر ستاره، از زنانی گمنام، که طی قرن ها در وادی علم و فرهنگ و حقیقت بوده و هستند آنان با زبان ساده به صورت داستان، لالایی و شعر، فرهنگ انسانی را به صورت شفاهی و گاهی مکتوب منتقل می کرده اند. آنها با توجه به ذات پاک درونی برگرفته از طبیعت بکر اندیشه های فلسفی و عرفانی را در قالبی ساده به نسل های بعدی منتقل کرده اند. پیام آنان دعوت به صلح، بشر دوستی بوده است. آنها سفیران گمنام عشق و زیبایی بوده اند..... نکته تاسف برانگیز این که نسل این بانوان روستایی در حال نابودی است.

قطعا نوابه یکی از آن زنان گمنام بود او نظریه‌های فلسفی و علمی ندارد. اما جهان را تجلی خداوند می‌داند و گذر از جهان را تکامل.....

خزان "طالقان" کوتاه و دوست‌داشتنی است کم‌کم رنگ سبزه تند و خیره‌کننده که همه جا را احاطه کرده جای خود را با زرد کم‌رنگ و پررنگ و نارنجی عوض می‌کند. برگ درختان تبریزی در باد می‌چرخند و به زودی زمستان فرا می‌رسد و این فرایند مرا یاد روزهای با نوابه بودن می‌اندازد. زمانی که در پاییز با "پا درختی‌های سیب" مربا می‌پختی، سیب‌زمینی می‌کندی، سیر می‌کاشتی برای سال آینده و همسایه‌هایی که از این نعمت‌ها محروم‌شان نمی‌کردی، حتی زمانی که پدرم مخالف بود به انجا مختلف راضیش می‌کردی به "مه" کردن این محصولات که با عشق عمل آورده بودی، متظاهرانه و تصنعی نمی‌نویسم تو این چنین بودی مامان این نوشته‌ها در درجه اول تقدیم است به «خودم» چون وقتی از تو می‌نویسم خوشحال‌ترم...

محمد حسین صائیان

پاییز ۱۴۰۰

طالقان